

#1

"PATIENCE:  
ZERO"

STARTS

NOW!

COMIC CITY

THE WORLD'S GREATEST COMIC MAGAZINE!

# DEADPOOL



DUGGAN  
DOESCHER  
LOLLI  
OLIVEIRA  
GURU-eFX  
FILARDI

MARVEL 021

انتقام جو ... قاتل ... سوپرستار ... آدم بد بو ... اگه ماهرترین مزدور دنیا نباشه، قطعا رو مخ ترین هست. وید ویلسون واسه یه برنامه ی فوق سری از سوی دولت انتخاب شده بود که بهش یه سری قدرت داد که بتونه هر زخمی رو درمان کنه. ولی یه جورایی، با اینکه فقط پولشو میگرفت کارش رو میکرد، وید تبدیل به پرترفدارترین "قهرمان" تو دنیا شد. صدش کنین پول پرست و راج ... صدش کنین احمق نمردنی ... صدش کنین ...

# ددپول

سلام به آقایون و خانم های ددپول باز. منم ددپول.

پسر، قسمت قبلی خیلی حساس بود. نه؟

ولی خوب همونطور که گفتم، فقط باید به راهتون ادامه بدین. زندگی میتونه بهتر بشه. منظورم اینه که ... زندگی منو ببینین مثلا.

تیم مزدورام همه بهم خیانت کردن و تنهام گذاشتن رفتن ...

... دخترم منو به عنوان باباش حساب نمیکنه ...

... کاپیتان آمریکا تیم اونچرز منو کلا متلاشی کرد ...

... زنم که با بقیه بیشتر بهش خوش میگذره تا با من ...

... و دشمن بزرگم کلاه دیوونه هم که داره ول میگرده و نقشه ی انتقامش از من رو آماده میکنه.

با این همه بدبختی که سرم ریخته زندگیم باید خیلی زود بهتر بشه دیگه، درسته؟

درسته؟



LI'L DEADPOOL ART BY IRENE Y. LEE

## مترجم و ویراستار: احمد کلاتیانی

Gerry Duggan  
writer

Matteo Lolli  
artist

Guru-eFX  
colorist

VC's Joe Sabino  
letterer

Tradd Moore & Matt Wilson  
cover

Gerry Duggan, Scott Koblish, Guru-eFX & VC's Joe Sabino  
#secretcomic variant

Heather Antos  
assistant editor

Jordan D. White  
editor

Axel Alonso  
editor in chief

Joe Quesada  
chief creative officer

Dan Buckley  
publisher

Alan Fine  
executive producer

COMIC CITY

کمیک سیتی با افتخار تقدیم میکند

© 2016 Marvel Characters, Inc. All rights reserved. All characters featured in this issue and the distinctive names and likenesses thereof, and all related indicia are trademarks of Marvel Characters, Inc. No similarity between any of the names, characters, persons, and/or institutions in this magazine with those of any living or dead person or institution is intended, and any such similarity which may exist is purely coincidental. WWW.MARVEL.COM



دستتون  
رو بگیرین بالا!

من عاشقه  
کریسمس!

خیلی مهمه که رسم و رسوم  
این مراسم رو حفظ کنی.



بفرما کتک  
فصل!

هیچ جایی برای لذت بردن از  
کریسمس بهتر از نیو یورک نیست.  
همه چی برق میزنه.



به ویژه تو  
منطقه ی الماس ها.

هر ساله تو این موقع منو رفیقم  
با هم جمع میشیم و دلیل وجود  
این فصل رو جشن میگیریم:  
پول.



البته خوب، روش جشن گرفتن ما با بقیه مردم فرق داره.

شبایی که آذیرا بی صدان خیلی خوبه.

«هوف» آره.

باب، پسر... باید به هایدرا بگی یه سالن بدنسازی واستون جور کنه.


آره، منم «هوف» بدم نمیاد.




WHEEE-OOH!  
WHEEE-OOH!

صبر کن بینم! پس موتور من کو؟؟

الان درواقع خونه ای ندارم که بخوام برم، ولی یه جایی هست که چند وقتی هست که میخوام به سر بهش بزنم.



هیچی بدتر از این نیست  
که یک سره حواست به پشت  
سرت باشه. من یه دشمنی واسه خودم  
انتخاب کردم که اصلا درکش نمیکنم.




لقب کلاه دیوونه رو واسه  
بی آزار بودنش گرفتم.



موضوع ناشناخته:  
معروف به کلاه دیوونه


درک که چه عرض  
کنم، اصلا اسمش هم  
نمیدونم!



ولی دیگه  
بی آزار  
نیست.

از موقعی که تو مغز من گیر افتاده بوده،  
هزاران نفر رو کشته و نزدیک هم بود که قتل یه  
سفیر خارجی رو بندازه  
گردن من.

الانم کلاه  
گیر داده به من.



خب منم میرم به شروع  
همه چی و دنبال جواب میگردم.

شکی توش  
نیست ...

... اینجا جایبه که کلاه  
دیوونه به دنیا اومده.



تا ساعت ها کسی متوجه این حادثه نشده بود. به شخص ناشناخته که بعدا به نام کلاه دیوونه معروف شد توی به محلول مشغول پخت و پز بود. اسم محلول اکس-او-۷ و به محصول از سازمان ای، آی، ام بود.

البته توی فایلای شیلد که دزدیم ننوشته "پخت و پز". اینو خودم اضافه کردم که دلنشین شه. قابلی نداشت.



کجا بودم؟ آها آره ... طرف رسما دیوونه شده بود، و موقع بیدار شدن تو بیمارستان هم مثل بچه ها گریه میکرد.



سعی کرد خودش رو بکشه و تمومش کنه. موفق نشد.

اونجا بود که فهمید کلا دردی احساس نمیکنه و میتونه هر زخمی رو درمان کنه.



واسه همین به لباس واسه خودش دست و پا کرد و خودش رو ریخت وسط دنیا که به چیزی حس کنه. هر چیزی!



الان به ذهنم رسید که شاید ... فقط شاید ...

... بد نباشه به شنل کوتاه رو خودم امتحان کنم. کلاه دیوونه تو شنل مثل احمقا میمونه، ولی شرط میبندم به من خیلی میادا!



خلاصه، سرنوشت و یه  
رعد و برق خفن ما دو تا  
رو به هم بست.



تونست که لذتِ بودن تو  
مغز منو تجربه کنه.



معلومه که از  
هم متنفریم!

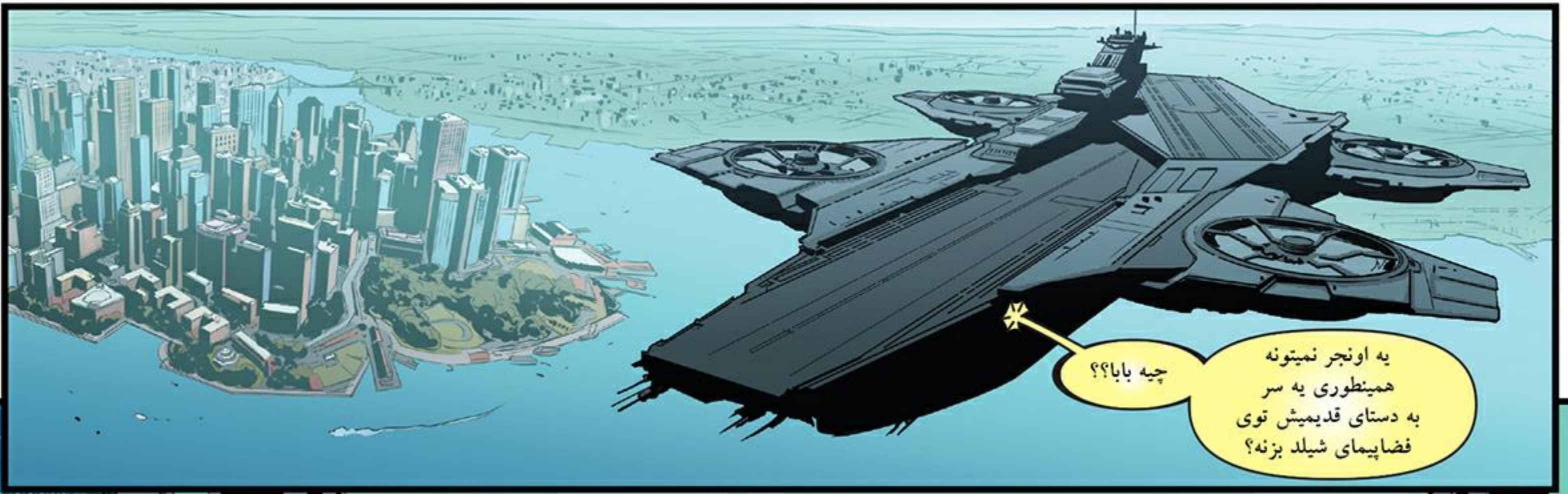
عملا ما دو تا مون یه  
نفریم.



اینجا جوابی گیرم نیما. ولی  
فکر کنم بدونم بعد اینجا باید به  
کجا سر بزنم. یه جا پیدا میکنم که  
امشب بمونم و فردا سر ظهر میرم  
دنبالش.

"اینجا چیکار میکنی  
ددپول؟"





چیہ بابا؟؟

یہ اونجر نمیتونه  
همینطوری یه سر  
به دستای قدیمیش توی  
فضایمای شیلد بزنه؟



اصلا تو مگه  
دیگه اونجری؟ شاینه شده  
که راجرز تیمتون و  
جمع کرده.

پرستون، تا  
حالا اسم "اونجرهای  
مخفی" رو نشنیدی؟

هنوز وجود  
دارن؟

شاید ما  
از اونا باشیم.



اصلا واسه چی  
برگشته بودی سر صحنه ی  
جرم؟



من همچین  
کاری نکردم.

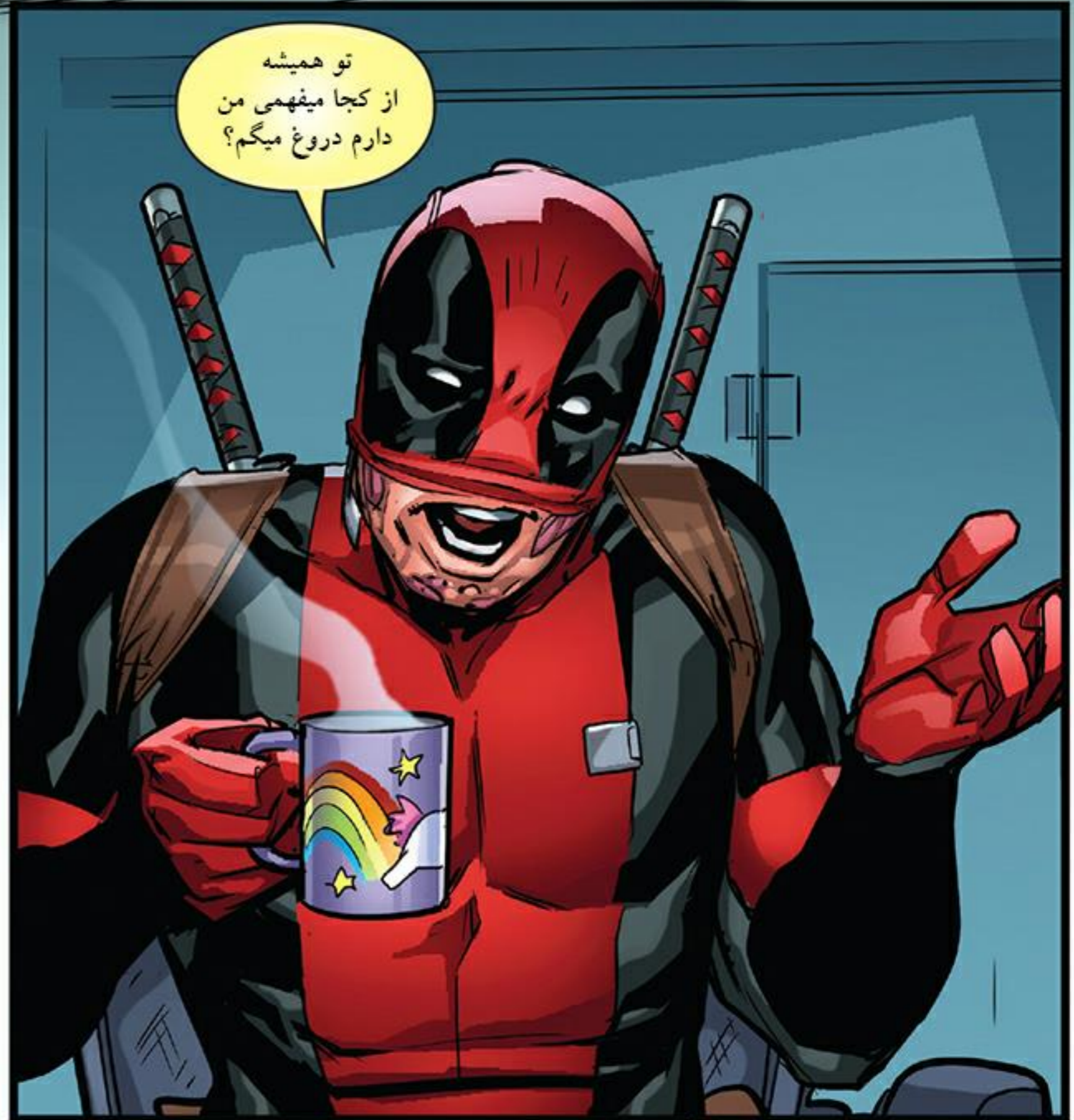


میخوای نظرت رو  
راجع به جملت عوض  
کنی؟



نخیر، واسه  
چی باید همچین  
کاری کنم؟

د نشوید  
صحنه ی جرم وار نشوید



تو همیشه  
از کجا میفهمی من  
دارم دروغ میگم؟



حس زنونه.

ورد  
صحنه ی جرم وارد نشد



گوش کن، راجع به کلاه دیوونه ... چیزی راجع به دانشمندای ای، آی، ام که اتفاقی ساختنش پیدا نکردی؟

نه، هیچی گیرمون نمیداد. همه ی اون دانشمندایی که اون ماده رو ساختن که کلاه دیوونه رو ساخته، مردن.



هی امیلی، من ... اوه. نمیدونستم تو هم اینجایی ددپول.



سلام رفیق.

بعدا برمیگردم.



مکالمه ی خوبی بود، خوش گذشت.

ادسیت به کم چاق نشده؟

به خاطر استرس اینه که جنابعالی برای بار هزارم داشتی به کشتن میدادیش.



اونم یکی از قدرت های جانیمه.

کلاه دیوونه واسه چی انقدر گیره رو تو؟

اون خیلی بیشتر از تو تو سر من گیر افتاده بود.

آها، خب، پس خدا بهمون رحم کنه.



جدی میگم.

منم همینطور.



بهره که اُدین به آدم چکش به دست خوب بفرسته که این اوضاع رو جمع کنه.



کسی از این چیزا واسه من نمیفرسته و اگر میفرستاد، داد زدن "هی مواجب باشین، کلاه دیوونه اومده!" خیلی چیز خفنی نیست که اونجرز بخاطرش دست به کار بشن.

دعوت واسه شنبه شام رو گرفتم. اون موقع میبینم.

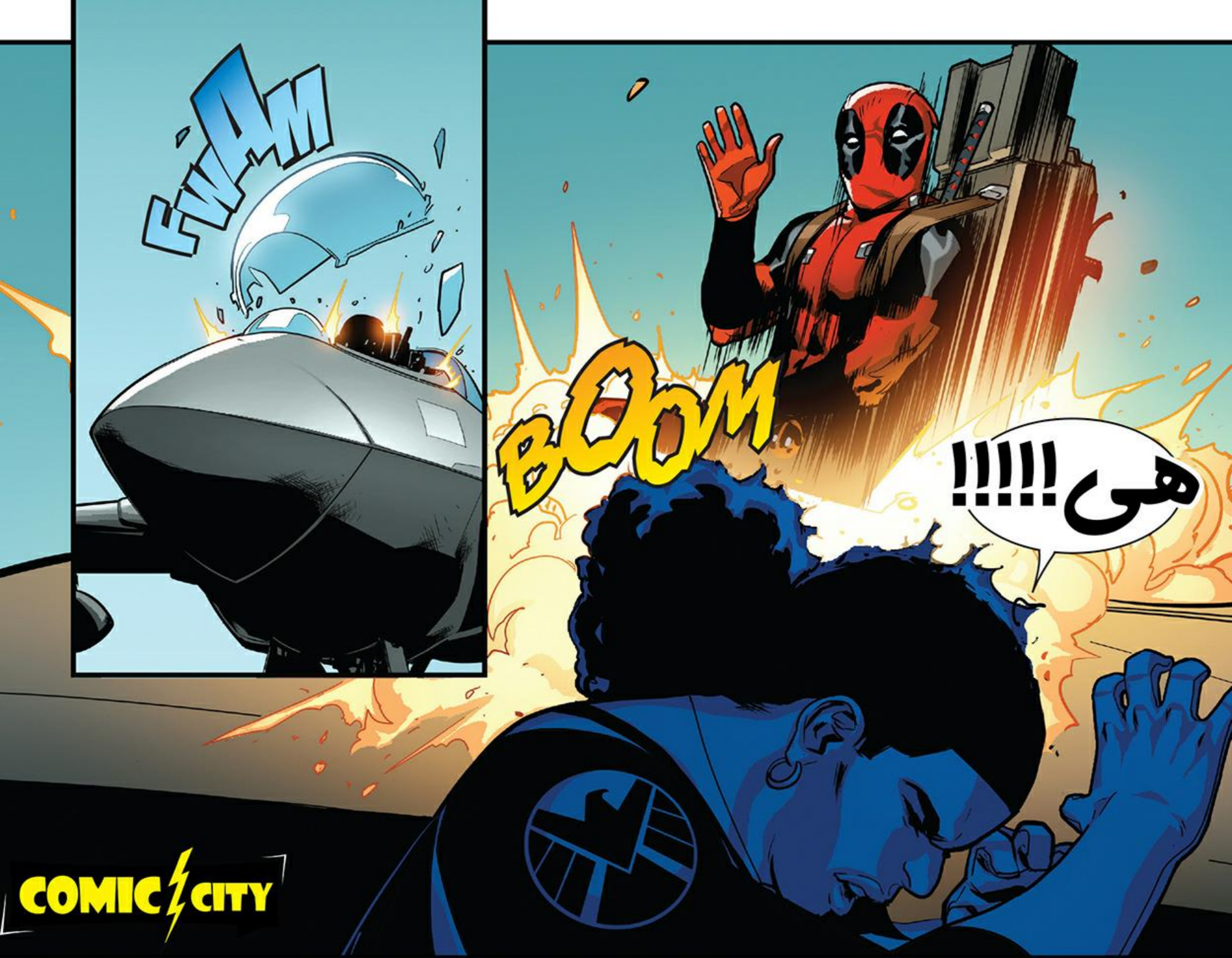


نه، نمیخواد، این کارو نکن. تو دعوت نیستی ... هی یه دقیقه وایسا ببینم، از تو جت ما بیا بیرون!



شرمنده، من وقتی شصتم و میگیرم بالا دیگه صداتو نمیشنوم.







... شایدم وضعش بدتر میشه.  
آخه من چطوری بدونم؟ من هیچوقت  
جایی که همون موقع ترکش کردم  
نیستم.



چیسی؟؟؟



گلاهِ دیوونته!



همین نزدیکی تو  
پارک مرکزی یه باغ  
وحش هست.

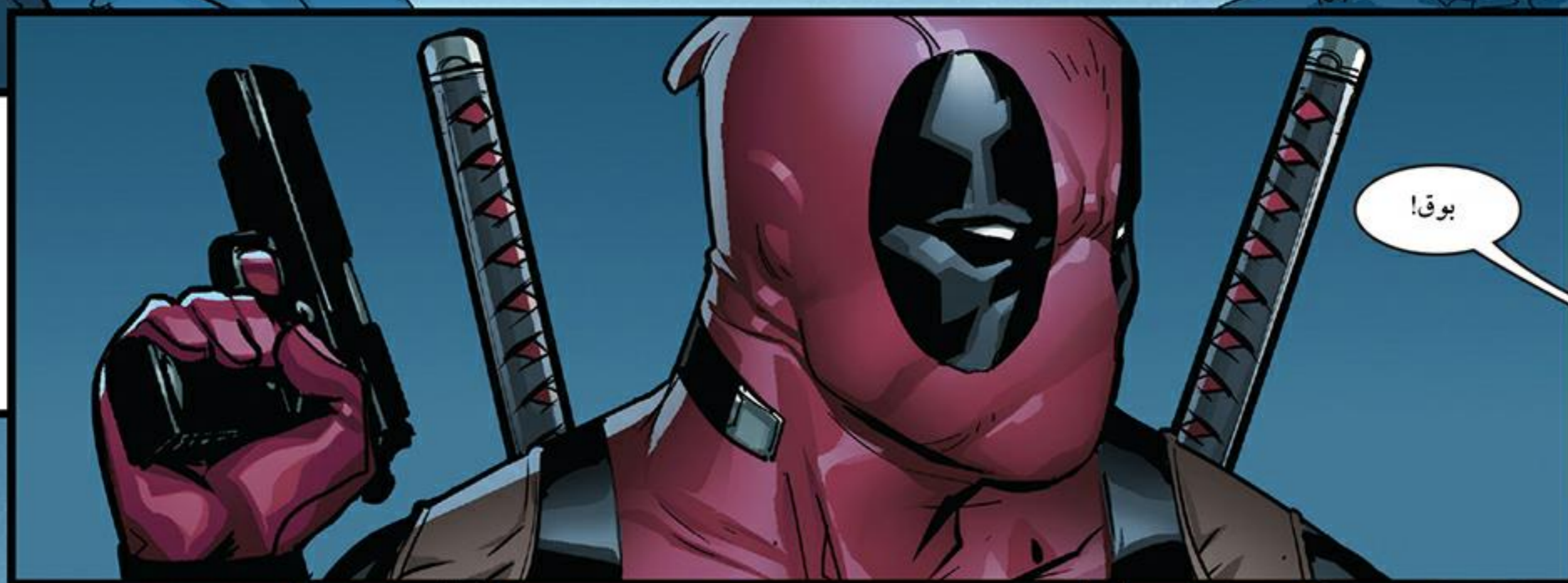
تابلونه که  
یه تله است ...



... ولی اگه کلاه دیوونه  
منو میخواد ... خودمو بهش  
میدم.



به چندتا جوک تو ذهنم هست  
که میتونم الان داد بزوم، ولی  
هیچکدوم الان حس شجاعت  
بیشتری به من نمیده.



بوق!



بوق!



بوق!

من کاملا آماده  
اومدم که کلاه دیوونه  
رو بکشم ...



بوق!



... مطمئن نیستم که آماده باشم  
کارکنای باغ وحش رو که اون طلسم  
کرده رو نفله کنم.

بوق!

بوق!

بوق!

بوق!

بوق!

بوق!



حالا چون  
نمیخوام بکشمتون ...



... معنی این نیست  
که آسیبی هم بهتون  
نمیزنم!

WHUDD

آآآآآ







ایلون ماسک میگه  
که ما تو به هولوگرام زندگی  
میکنیم، پس واقعا به کی چه  
که من به چندتا پنگوئن پرت کنم؟ من  
به زندگی شبیه سازی شده ام که تو  
مغز زندگی شبیه سازی شده ی  
شما زندگی میکنم.  
بهش فکر  
کنین.

کلاه دیوونه!!!

خودتو نشون بده!

فقط داری عصبانی ترم میکنی!

بوق!

بوق!

بوق!



بوق!

بوق!

بوق!

بوق!

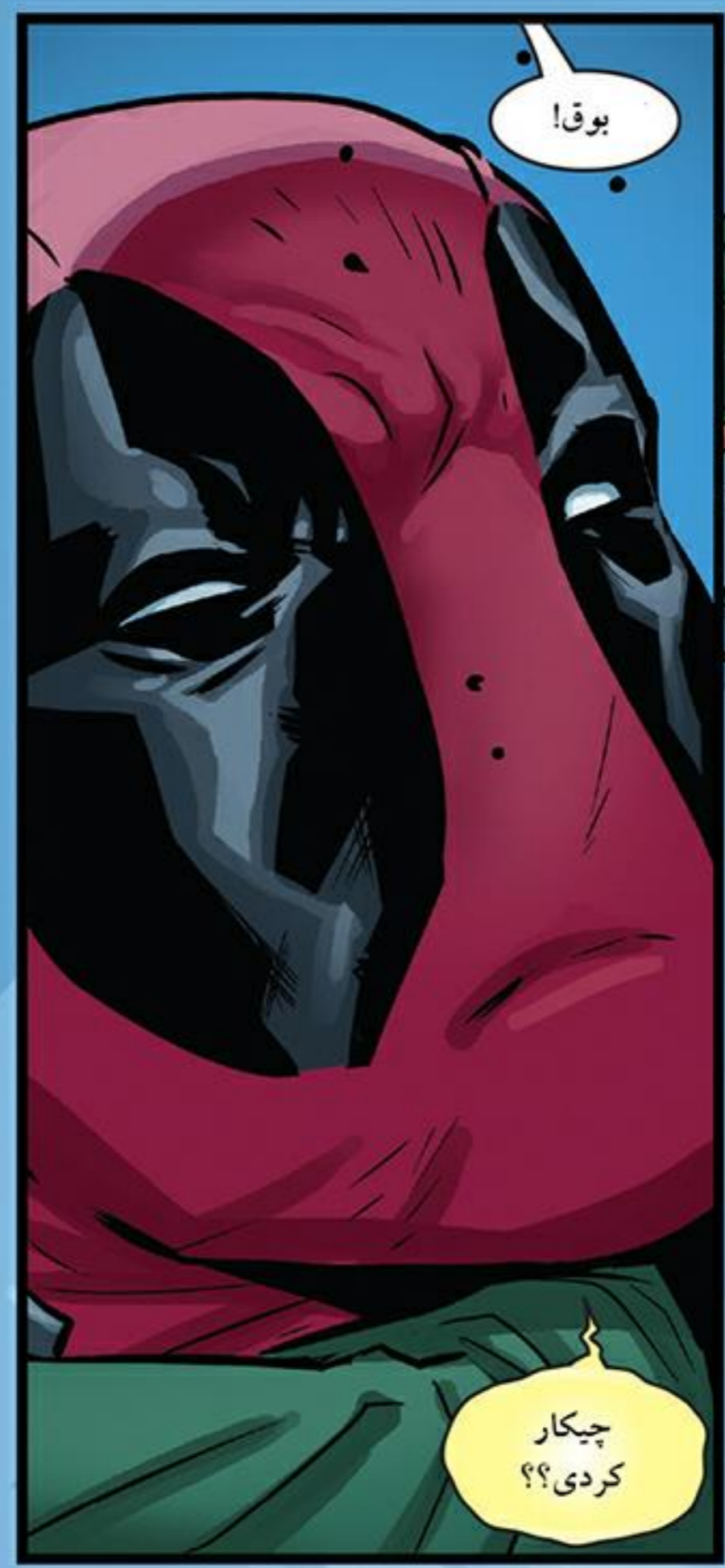
بوق!

و مطمئن باش دلت نمیخواد من عصبانی بشم!



بوق!

آآآ داری چیک... چیک...



بوق!

چیکار کردی؟؟



بوق!

بوق!

بوق!

بوق!

بوق!

بوق!

کی دلش میخواد که ببرا رو ببینه؟





از طلسمش  
بیا بیرون پسر!



اگه کسی  
رو دوست داری،  
باید دست از سرش  
برداری، ددپول.



تو مجبور  
نیستی اونا رو  
بکشی!



فعلا نمیتونم  
درست بینم ... تو کی ...  
وای خدا ...

ترجیح میدم  
فعلا شاهدی نباشه.  
هنوز قدرت کاملم رو  
پس نگرفتم.



سلام رفیق!  
 بالاخره تونستم انجامش بدم! من نابودت کردم!

یه چیزی پیدا کردم که به اندازه ای کافی باشه که بتونه نابودت کنه!



دلم برا باهم بودنمون تنگ میشه. خوش میگذشت.

چه بلایی سر تو اومده؟



باید تا موقعی که بتونم خودم و سرهم کنم یه خونه ی جدید پیدا میگردم.

حسن میکنم حالم بده ...



هاه! به جمع من خوش اومدی!

RETCH



هورا! خیلی خوشحالم که اینجام تا مردانت رو ببینم.

اححنن.

شماره ۲۲

# ددپول



COMIC CITY

TKA D D 7116 MW

ترجمه شده در:

# کمیک سینتی

مرجع دانشمند کمیک ترجمه شده



وبسایت ما: [www.comic-city.ir](http://www.comic-city.ir)

 @ComicCityIR

 @ComicCityIR

**COMIC CITY**